

بازتاب

آیت‌الله صدیقی با تأیید ادعای زمین‌خواری در حوزه ارگل از جعل امضای خود خبر داد

ماجرای عجیب آقای صدیقی



وحیده کریمی: در پی انتشار اسناد زمین‌خواری در فضای مجازی منتسب به آیت‌الله صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران، او در ناماهی به دادستان تهران به این ادعا واکنش نشان داد و با تأیید اصل فساد رخ‌داده، از روند اجرایی این زمین‌خواری اظهار بی‌اطلاعی کرد. آیت‌الله صدیقی امام جمعه موقت تهران و رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر که ریاست سابق دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات را در روزمه خود دارد، دیروز در واکنش به اتهام زمین‌خواری، با رد اتهام منسوب به خود اصل ماجرا را متوجه فرد دیگری کرده است.

نگاهی اگر به گزارشی که چندی پیش در سایت یاشار سلطانی منتشر شده، بیندازیم، متوجه وخامت اوضاع می‌شویم. مدرسه علمیه امام خمینی در منطقه ارگل تهران که تحت تولیت کاظم صدیقی اداره می‌شود، باغی به مساحت چهارهزارو ۲۰۰ متر داشته است که قیمت روز آن، حدود هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. اما آبان ۱۴۰۲، شرکتی به نام «مؤسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» ثبت می‌شود و بعد از آن، اسناد مالکیت این باغ گران‌بها به نام این شرکت می‌شود. مالکان این شرکت کاظم صدیقی و چند نفر از پسران و دوستان او هستند و عروسش نیز بازرس شرکت است. مدرسه علمیه امام خمینی تهران در خیابان گلستان شرقی در منطقه یک تهران قرار دارد. این مجموعه در ۲۳ هزار متر زمین شامل برج‌خا، ۲۵ واحد آپارتمانی خانه‌های مسکونی برای اساتید، مسجد، استخر، مجموعه ورزشی و ساختمان حوزه علمیه است. براساس تصاویر اسنادی که منتشر شده، به طرز عجیبی «مؤسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» یک ماه بعد از تأسیس صاحب چهارهزارو ۲۰۰ متر از زمین‌های مدرسه علمیه امام خمینی می‌شود. هرچند در اساننامه مؤسسه به «غیرتجاری» بودن آن اشاره شده است، اما در شرح خدمات شرکت بیشتر فعالیت‌ها تجاری ثبت شده است. حضور نامی چون «جواد عزیزی» هم در ترکیب مؤسسان شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» جالب توجه است. او یکی از مدیران شهرداری تهران در زمان قالیباف است که حالا در ترکیب شرکتی حضور دارد که به عنوان اولین اقدام بخشی از زمین‌های یک حوزه علمیه را به نام خودش ثبت کرده است. او دارای چندین پرونده قضائی در زمان مسئولیتش در شهرداری تهران بود. به‌هر روی بر اساس اسنادی که به دست ما رسیده کاملاً مشخص است که مالکیت بخشی از زمین‌های مورد بحث تا پیش از این با «مدرسه علمیه امام خمینی تهران» بوده و بعد از آن مالکیت این زمین‌ها به شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» رسیده است.

حال صدیقی در ناماهی که خطاب به دادستان نوشته است این چنین توضیح داده که «حوزه علمیه امام خمینی (ره) در چارچوب اساسنامه خود، سال‌ها قبل برای تمهید ورود نوجوانان و دانش‌آموزان علاقه‌مند به آموختن دروس دینی و حوزوی تصمیم به تأسیس مجموعه آموزشی و فرهنگی پیش‌حوزوی گرفته و برای تأسیس این مرکز اقدام به اخذ مجوزهای قانونی لازم نمود. بر همین اساس لازم بود تا مؤسسه‌ای وابسته به حوزه علمیه امام خمینی تأسیس گردد و بخشی از زمین متعلق به حوزه برای ایجاد این مرکز پیش‌حوزوی به آن مؤسسه منتقل شود. بر این اساس فردی به نام آقای *** که قبلاً مورد اعتماد مجموعه بوده، مسئول بیکیری و انجام امور ثبت اداری مؤسسه شد. اما متأسفانه فرد مذکور با سوءاستفاده از اعتماد اقدام به تدوین و ثبت اساسنامه، جعل امضای این‌جانب، تسهیم سهام به آن کیفیت و بدون اطلاع تولیت، مدیر حوزه و برخی اعضا نموده و مع‌الاسف حتی بدون ورود و امضای این‌جانب و برخی اعضا ثبت این قضیه صورت پذیرفته است. بنابراین مؤسسه ثبت‌شده به کیفیتی که در رسانه‌ها انتشار یافت، بدون اطلاع این‌جانب و مدیریت حوزه و برخلاف اهداف مصوب آن به ثبت رسیده است. لذا این‌جانب کاظم صدیقی از جایگاه تولیت حوزه علمیه امام خمینی (ره) و به عنوان یک شهروند، بدون در نظر گرفته‌شدن سوابق قضائی و عناوین سیاسی اجتماعی استماع دارم نسبت به ثبت شکایت رسمی از فرد مذکور و دیگر نقش‌آفرینان در این فقره، با عنوان جعل و خیانت در امانت اقدام فرموده تا ابعاد این مسئله برای عموم مردم عزیز ایران، خاصه مؤمنین روشن و شفاف شود».

البته اصولگرایان در مقام حمایت از صدیقی برآمدند و عبدالله گنجی فعال سیاسی اصولگرا هم در حمایت از صدیقی در شبکه ایکس نوشت: «نامه حاج آقا صدیقی را حمل بر صحت می‌گذارم. علنش اینکه پذیرفته است مدیریت خودش اشکال دارد و آماده پاسخ‌گویی قضائی است و به توجیه و انکار و جدل در موضوع رو نیاورده است. لذا افشاکننده با هر نیتی هم سوت زده باشد باید اول توسط خود صدیقی مورد تقدیر قرار گیرد». در همین راستا میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی و برادر داماد ابراهیم رئیسی در واکنش به حواشی اخیر کاظم صدیقی، امام جمعه تهران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: با شکایت‌نامه روشنگر و متن پرهیزکارانه عالم زاهد و روحانی مجاهد، جناب آیت‌الله صدیقی، باری‌های پشت صحنه به‌زودی روشن و شفاف خواهد شد. روحانیت انقلابی و ولایی کماکان آماج حملات دشمن است. باید مراقب بود و به موقع تبیین نمود، و البته خورشید حقیقت همیشه پشت ابر نمی‌ماند.

نامه صدیقی واکنش‌برانگیز شده و عباس عیدی هم در تویییتی نوشته است: «اگر راستت بگوید یک فاجعه تمام‌عیار از بی‌اطلاعی است، اگر دروغ باشد که صد بار بدتر، شاید فساد تحمل شود ولی با دروغ چه می‌توان کرد؟ جای دیش ضربه نهایی به شعارهای مبارزه با فساد بود و این به نماز جمعه، آزمون مهمی پیش‌روی دستگاه قضائی قرار گرفته است». بسیاری از کاربران فضای مجازی هم معتقدند انتقال چهارهزار و ۲۰۰ متر زمین با امضای جعلی کمی عجیب است و باورش سخت، بنابراین این سؤالات مطرح است که صدیقی یا فرزندان یا عروسش یا خالصه یکی از نزدیکانش در پیروان اندیشه‌های قائم، از خود نپرسیدند نحوه نقل و انتقال این زمین چگونه بوده است؟ ممکن است چنین غافل باشند و صاحب چنین دارایی عظیمی شوند و از خود نپرسند روند کار چگونه بوده؟ و آیا او همچنان تا پایان رسیدگی قضائی همچنان امام جمعه موقت تهران باقی خواهد ماند یا خیر؟ به هر حال باید منتظر ماند و رسیدگی قضائی را زیر نظر گرفت زیرا همان‌گونه که عیدی گفته این پرونده آزمون بزرگ قوه قضائیه است و افکار عمومی بیش از این توان تحمل رفتارهای استعازدا را ندارد و بعد از جای دیش و سکوتی که فعلاً بر این پرونده حاکم شده انتظار برای فراموشی پرونده صدیقی منطقی نیست و مطمئناً افکار عمومی به دنبال توضیح و تصمیم دستگاه قضاست.

سال پیش رو

نگاهی به ۲ انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و ایران

تک‌دوره‌ای‌ها یا دودوره‌ای‌ها

عبدالرحمن فتح‌اللهی

سال ۱۴۰۲ با تمام فراز و فرودهایش،

روزهای پایانی خود را سپری می‌کند.

بی‌شک مهم‌ترین اتفاقی که سایه سنگینی بر حدود نیمی از این سال داشت،

وقوع عملیات طوفان‌الاقصی و پس از آن، جنگ حماس و اسرائیل است که

یقیناً دامنه آن به ۱۴۰۳ هم کشیده خواهد شد و کماکان می‌تواند منشأ بسیاری

از تحولات و اتفاقات دیگر در منطقه و جهان باشد؛ اما در کنار این موضوع،

برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده آمریکا هم یقیناً محل

بحث و توجه بسیاری در سال آتی شمسی خواهد بود و هرچه به زمان

برگزاری آن در ۵ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۵ آبان ۱۴۰۳) نزدیک‌تر شویم، این انتخابات

و برندگان و بازندگان آن به سرفصل جدی تحلیلی در محافل سیاسی و

رسانه‌ای بدل خواهد شد؛ کمااینکه در یکی، دو ماه اخیر در سال ۱۴۰۲ هم

طیفی از رسانه‌ها، کارشناسان و ناظران در کشور اذعان دارند که بیراه نیست

همه چیز به شرایط بستگی دارد



سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با

«شرق» و در پاسخ به این پرسش، به

فاصله زمانی هشت‌ماهه تا برگزاری

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و

فاصله ۱۵‌ماهه تا انتخابات

ریاست‌جمهوری ایران اشاره دارد و پیرو

آن معتقد است «از هم‌اکنون نمی‌توان به قاطعیت از

تک‌دوره‌ای‌شدن دولت‌های بایدن و رئیسی سخن گفت». سفیر

اسبق ایران در انگلستان با یادآوری این نکته که «عالم سیاست،

فضای به‌شدت سیال و پرشتابی دارد، متذکر می‌شود که

کوچک‌ترین عامل منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در مسیر

انتخابات و تعیین برندگان و بازندگان نقش‌آفرین باشد؛» بنابراین

نماینده‌ادوار مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند که باید منتظر

روند تحولات بود. با این حال ساداتیان با درنظرگرفتن مسیری که

تاکنون طی شده است، این سناریو را محتمل می‌داند که «با

جدی‌ترشد ناتوانی‌های جسمی فیزیکی و ذهنی جو بایدن،

دونالد ترامپ بتواند دوباره به کاخ سفید بازگردد؛» هرچند به

گفته این دیپلمات، «از یک سو باید منتظر نظر رسمی دو حزب

جمهوری‌خواه و دموکرات در کنوانسیون‌های حزبی که تااکنون

۱۴۰۳ برگزار می‌شود، باشیم و در سوی دیگر باید دید که اگر

نهایتاً بایدن نامزد قطعی دموکرات‌ها شد، توان جسمی او

به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای تعیین‌کننده در مسیر

انتخابات اجازه رقابت شانه به شانه با دونالد ترامپ با هر فرد را

خواهد داد یا خیر؟» ساداتیان با این خوانش، نگاهی هم به

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۴ در ایران دارد و خاطرنشان

می‌کند که «نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و پیروشدن

بایدن، ترامپ یا هر گزینه دیگری می‌تواند در انتخابات

ریاست‌جمهوری ایران مؤثر باشد؛» چراکه به عقیده این نماینده

مجلس چهارم، «انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تأثیرات

بین‌المللی دارد و هر کشوری به شکل مستقیم متأثر از آن

خواهد بود». باوجوداین سفیر اسبق ایران در انگلستان در ادامه

ارزایی خود، تمرکز ویژه‌ای روی فضای داخلی کشور دارد و بر

این باور است که «مهم‌ترین رقیب رئیسی برای ادامه کار در دور

دوم، نه به نتیجه انتخابات آمریکا و نه حضور نامزد اصلاح‌طلب

و اصولگرا؛ بلکه به نام‌کاره او بازمی‌گردد که به نظر ساداتیان

تاکنون غیرقابل دفاع بوده است».

از این منظر، نماینده اسبقی مجلس تصریح می‌کند که اگر

عملکرد دولت سیزدهم در وایسین ماه‌های حیاتی‌ش به همین

شکل ادامه پیدا کند، او بسیار بعید می‌داند که دولت رئیسی

بتواند به دور دوم کشیده شود. دیپلمات پیشین کشور در ادامه

تحلیلی که به «شرق» ارائه می‌دهد، روی نکته‌ای کلیدی

دست می‌گذارد و به اعتقاد او، مهم‌ترین اتفاقی که می‌تواند

امکان تک‌دوره‌ای‌شدن رئیسی را افزایش دهد، بالارفتن بهای

حامل‌های انرژی و وزن‌ش است که شایعه آن در چند ماه اخیر

برای سال ۱۴۰۳ به گوش می‌رسد؛ به‌ویژه آنکه به گفته این استاد

دانشگاه، دولت رئیسی نه‌تنها تکلیف بودجه ۱۴۰۳ را روشن

نکرده؛ بلکه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را هم هنوز به نتیجه

نهایی نرسانده است.

با درنظرگرفتن این نکته، ساداتیان می‌گوید «اگر دولت رئیسی

تصمیم به افزایش بهای انرژی بگیرد، مطمئناً تنمّه نیروهای

حامی او هم از بین خواهد رفت». در نتیجه سفیر اسبق ایران در

انگلستان اعتراف و اذعان دارد که «حتی اگر دولت رئیسی بتواند

فضای سیاسی، رسانه‌ای، اجتماعی و مردمی را بعد از افزایش

احتمالی بهای انرژی کنترل کند، باز آثار و تبعات این اقدام، خود

را در انتخابات ۱۴۰۴ نشان خواهد داد».

دولت رئیسی و تصمیم‌های سرنوشت‌سازی که در حوزه

اختیارش نیست



با این حال فریدون مجلسی دیگر

کارشناسی بود که در گفت‌وگو با

«شرق» و برخلاف آنچه ساداتیان

عنوان کرد، متذکر می‌شود که برخی

تصمیم‌های سرنوشت‌ساز اساساً در

حوزه اختیارات دولت‌ها، چه دولت

رئیسی، روحانی یا هر فرد دیگری نیست. این دیپلمات پیشین

کشور در تبیین و تشریح بیشتر نکته خود به موضوعاتی از قبیل

تصمیم برای احیای برجام، لغو تحریم‌ها، تصویب لوایح

باقی‌مانده ادعائی‌اف، مذاکره با غربی‌ها و... اشاره دارد که در

منظر او، هیچ‌کدام از آنها در دست رئیسی و اساساً دولت‌ها

نیست.

این کارشناس حوزه بین‌الملل با تغییر زاویه نگاه خود، از

منظر دیگری به موضوع تک‌دوره‌ای‌شدن یا نشدن دولت رئیسی

ورد می‌کند و آن هم ناظر به آثار انتخابات ریاست‌جمهوری

ایران است که در ایالات متحده آمریکااست که او هم محسوس با

ساداتیان باور دارد که نتیجه آن می‌تواند روی تشدید یا تعدیل

فضای تنش با ایران اثرگذار باشد. با درنظرگرفتن این نکته،

مجلسی بررنگ‌ترشدن یا کمرنگ‌ترشدن تنش بین تهران و

واشنگتن را ازجمله عواملی می‌داند که می‌تواند تبعات خود

را روی فضای سیاسی ایران برای انتخابات ریاست‌جمهوری در

۱۴۰۴ داشته باشد.

این دیپلمات پیشین کشور هم «عدم قطعیت» را جاشنی

تحلیل خود می‌کند و تأکید دارد که از هم‌اکنون نمی‌توان با

قاطعیت از تک‌دوره‌ای‌شدن جو بایدن یا رئیسی سخن گفت

و پیرو آن، معتقد است یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین

کلیددار بعدی کاخ سفید، وضعیت جسمانی و فیزیکی جو

بایدن در ادامه رقابت‌های انتخاباتی است. باوجوداین مجلسی

فعلاً کفه شانس ترامپ را برای بازگشت به کاخ سفید قدری

سنگین‌تر از جو بایدن می‌داند؛ بنابراین به گفته این مفسر

حوزه سیاست خارجی، «اگر دونالد ترامپ از آبان سال آتی

به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا روی کار بیاید، نه‌تنها

تأثیرات مستقیمی روی وضعیت روانی اقتصادی و بازارهای

ایران خواهد داشت؛ بلکه با شروع به کار رسمی او از ژانویه

۲۰۲۵ (دوم‌ماه ۱۴۰۳)، زمینه و فضا برای تشدید تنش سیاسی و

دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن فراهم خواهد شد و به دنبال

رادیدیکالیزه‌شدن فضا، او شانس رئیس‌جمهورشدن گزینه‌ای از

سوی اصلاح‌طلبان، مستقلین، معتدلین و میانه‌روها را کمرنگ

می‌داند و این احتمال را می‌دهد که مجدداً رئیسی در ۱۴۰۴،

دولت دوم خود را تشکیل دهد».

البته مجلسی موضوع مدیریت دوره گذار را هم به‌عنوان

سرفصل تازه تحلیلی خود مطرح می‌کند و با یادآورشدن این

موضوع که اکنون ابراهیم رئیسی از حوزه خراسان جنوبی به

مجلسی خبرگان راه پیدا کرده است، بسیار بعید می‌داند که در

نیمه راه از قطار ریاست‌جمهوری پیاده شود.

بایدن یا ترامپ، تفاوتی برای ایران ندارد

علی بیگدلی دیگر کارشناسی بود که از

منظر با ارزیابی مطرح‌شده از سوی

فریدون مجلسی و سیدجلال ساداتیان

زاویه جدی دارد و در گفت‌وگو با

«شرق»، نخست خاطرنشان می‌کند که

«اگر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

نهایتاً به بازگشت دونالد ترامپ و پس از آن تشدید تنش میان

ایالات متحده و ایران منجر شود، روی کار آمدن یک گزینه

رادیکال در تهران فقط وضعیت را پیچیده، بغرنج و کنترل‌ناپذیر،

غیرقابل مدیریت و بازگشت‌ناپذیر خواهد کرد؛» به‌همین‌دلیل این

استاد دانشگاه، مطمئن‌ترین و درعین‌حال کم‌خطرترین سناریو

برای ایران را روی کار آمدن یک گزینه معتدل می‌داند که با

آشنایی و اشراف کامل به حوزه سیاست خارجی و فنون و اصول

مذاکره، قدرت لازم برای چانه‌زنی با طرف‌های غربی و به‌ویژه

آمریکایی‌ها را داشته باشد». او منظر دوم، بیگدلی اذعان دارد که

فرقی بین روی کار آمدن دونالد ترامپ یا جو بایدن برای ایران

وجود ندارد؛ چراکه این تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا یادآور

می‌شود «حتی اگر جو بایدن در انتخابات آبان ۱۴۰۳ به‌عنوان

رئیس‌جمهور کار خود را در کاخ سفید ادامه دهد، دیگر روند

چهارساله اول را تکرار نخواهد کرد و خبری از مماشات، انفعال

و روند کج‌ و مریز نخواهد بود». به گفته بیگدلی، «همواره

مهم‌ترین اتفاقات، چه در قالب جنگ یا صلح در دولت‌های دوم

رؤسای جمهور اتفاق می‌افتد که دیگر نگرانی بابت ادامه کار

ندارند و با فراغ بال بیشتر سیاست‌های خود را عملیاتی خواهند

کرد؛ بنابراین اگر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به ادامه کار

جو بایدن منجر شود، او سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر و حتی

انتحاری‌تری در برابر ایران از خود نشان خواهد داد؛ کمااینکه از

دید این تحلیلگر حوزه بین‌الملل، مشابه همین سیاست‌های

سخت‌گیرانه در قبال جنگ اوکراین و روسیه و جنگ حماس و

اسرائیل و فلسطینی‌ها انجام خواهد شد. بیگدلی، تکلیف

سناریوی دوم یعنی روی کار آمدن دونالد ترامپ را روشن

می‌داند که قطعاً به تشدید تنش تهران و واشنگتن منجر خواهد

شد تا جایی که به نظر او بخشی از انتخابات کسب‌وکار کشور و

فضای روانی و بازارهای ایران به دلیل نگرانی‌ی جدی درباره

بازگشت ترامپ به کاخ سفید گواه این موضوع است.

دولت تک‌دوره‌ای در ایران، آری یا خیر؟!

با توجه به آنچه گفته شد در سرفصل دیگری از تحلیل‌ها،

بیگدلی سراغ وارد‌احل و راهکار برورفت از بحران کنونی می‌رود

و دو پیشنهادش را از تریبون «شرق» مطرح می‌کند؛ «نخست،

استفاده حداکثری دولت رئیسی از بازه زمانی هشت‌ماهه فعلی

تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آبان ماه ۱۴۰۳

آمریکاست که مذاکرات جدی برای کاهش تنش با واشنگتن در

دستور کار قرار گیرد و دومین اقدام روی کار آمدن یک دولت

کارآمد و قدرتمند در بهار ۱۴۰۴ در تهران است که بتواند در همه

زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، معیشتی، دیپلماتیک، فرهنگی و

اجتماعی منشأ اثر باشد».

چراکه به باور این استاد دانشگاه، «دولت رئیسی در سه سال

اخیر ثابت کرده که نهایت توان او همین‌قدر است و بیش از این،

نه دانش و نه توان مدیریت کشور را ندارد». بیگدلی بار دیگر

متذکر می‌شود که «پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، چه

با انتخاب بایدن همراه باشد یا ترامپ، فضا به شدت پیچیده و در

عین حال حساس خواهد بود. لذا بهترین اتفاق را روی کار آمدن

یک دولت معتدل و میانه‌رو می‌داند». اما فریدون مجلسی با زیر

سؤال بردن این دو راهکار علی بیگدلی از منظر نخست، معتقد

است که در بازه زمانی هشت‌ماهه تا انتخابات ریاست‌جمهوری

آمریکا فرصتی برای مذاکره میان تهران و واشنگتن وجود ندارد

و با در نظر گرفتن اتفاقاتی مانند عملیات طوفان‌الاقصی و جنگ

حماس و اسرائیل دیگر تمایلی هم از سوی دولت بایدن دیده

نمی‌شود. راهکار دوم بیگدلی درخصوص روی کار

آوردن یک دولت میانه‌رو در ایران را هم اگرچه اقدامی مثبت

و دوراندیشانه روی کاغذ می‌داند، اما به گفته او انطباقی با